

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ش. آهنگر

۰۸.۰۶.۱۰

به پاسخ آقای ارجمند تیمور جان !

چندی قبل ایمیلی از پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" دریافت کردم که در آن ضمن لطف و مرحمت از جانب آقای محترمی به نام تیمور نسبت به من، سوالاتی هم مطرح شده و خواسته اند که من به آنها پاسخ بگویم. من با ادای احترام متقابل چنین امری را پذیرفته و در حد امکان به آن پاسخ می‌دهم. اینک متن نامه و جواب به آن :

نامه:

"تیمور

۱۰.۰۵.۲۶

جناب محترم آقای آهنگر صاحب

امیدوارم از دیار درمندان با آرزوهای بزرگ سلام ما را پذیرا گردید. می‌خواهم چند سؤالی را در رابطه با " پیرامون انتخابات" مطرح نمایم:

۱ - اولاً اینکه تعدادی از افراد انگشت شماری که خود را وکیل کاندید نموده اظهار می‌دارند ما از طریق پارلمان مبارزات دموکراتیک و خواست‌های مردم را بیان نموده و حکومت را زیر فشار قرار داده و دست به افشائگری خواهیم زد که این خود در بسیج مردم نقش خوبی خواهد داشت.

۲ - فرق بین مبارزات دموکراتیک و مبارزات ضد امپریالیستی چیست؟

۳ - تفاوت میان تضاد اساسی و عمده کدام است؟

۴ - آیا جامعه ما یک جامعه مستقل و آزاد است و یا نیمه مستعمره و یا هم مستعمره؟

۵ - آیا ساخت کشور ما یک ساخت qeodati و یا نیمه qeodati است، آیا فرق میان این دو کدام است؟

۶ - آیا ۴۳ کشوری که به افغانستان حضور دارند به اساس فیصله ملل متحد و جامعه بین‌المللی به افغانستان آمده اند؛ به اساس کدام دلیل آنها را تجاوز گر و اشغالگر می‌دانید؟

۷ - فکر شما در رابطه با احزاب رجستر شده وزارت عدلیه چیست؟

۸ - لطف نموده پیرامون سه سلاح خلق و کار آئی آن در شرایط جهانی شدن توضیح بدهید.

داخل افغانستان

*نسبت مشکلاتی که دارم امیدوارم به فارسی برگردانده شود، در اصلاح متن دست دراز دارید"

تیمور

پاسخ آهنگر:

برادر محترم تیمور جان، شما هم بالمقابل سلام های گرم مرا بپذیرید!

خیلی به خود میالم که از دیار دردمندان یاد ما کردید و نه تنها مرا به سلامی شاد ساختید، که برای پاسخ دهی به سوالات تان هم به من صلاحیت داده اید. ایکاش آنچنانکه شما این همه مرا میشناسید، من هم شما را میشناختم و یقیناً از صحبت با [آشنا](#) لذت بیشتر میبردم. مشکل مسأله اینست که پاسخ دادن به هشت سؤال مطروحه شما به نوشتن دهها صفحه نیاز دارد که صفحه پورتال جای آن نیست. اگر شما هم مثل من نام حقیقی خود را مطرح میکردید و از گردانندگان پورتال میخواستید که نام و آدرس تانرا نشر نکنند و فقط به من بپسارند، ما میتوانستیم مطمئن تر و خودمانی تر داخل بحث شویم و من هم پاسخ مفصل را، آنچنانکه دلم میخواست، به آدرس تان ایمیل و یا پُست میکردم. حال که از چنین موهبتی برخوردار نشدم، پاسخ تانرا به نحو دیگری تقدیم تان میکنم امید است حل مطلب بشود:

۱ - آنهایکه میگویند از طریق پارلمان "مبارزه دموکراتیک و... میکنیم" اگر نگوئیم دروغ میگویند، اقلأ درست نمیگویند زیرا که اول:

کشورما یک کشور مستعمره است و شرکت در نهادهای دولتی، درس طرح وکیل و وزیر و پُستهای بالا به معنی تائید اشغال و ستم به مردم است، عناصر ضد اشغال همدست اشغالگر نمیشوند. از سوئی هم ما خود دیدیم که پارلمان، نه انتخاب اعضاء در آن و نه فیصله هایش، هیچگونه استقلالی ندارد. تجربه چهار ساله دوره اول پیش چشم ماست. در این دوره به هیچکس اجازه ندادند که نه تنها به نفع مردم که حتی علیه جنایت و اشغال هم حرفی به میان آورد، با کوچکترین مخالفت ها، ضمن لت وکوب، به سلاح تعلیق یا بیرون انداختن از پارلمان متوسل شدند. با چنین حالتی ادعای مبارزه مستقل از درون پارلمان عوام فریبی است.

دوم: درحالت های معینی هم که شخصیت ها و احزاب معینی به طور استثنائی از درون پارلمان ها توانستند اثری بگذارند، به قول مصاحبه گر دوم درهمین مورد، آنها شخصیت های "فره ایزدی - کراسماتیک" و مردم پسندی بودند که موج مردم را پشت سر خود داشتند و میتوانستند مانع کار پارلمان و حامیانش شوند ویا اینکه احزاب منضبط و نیرومندی آنها را در مبارزات پارلمانی شان حمایت و رهبری میکردند. نامزدان پارلمان موجوده نه تنها اثری بر مردم ندارند که خودشان به خود هم تردید دارند، حزب نیرومندی هم که برای کنترل و رهبری وجود ندارد. (مطالعه مصاحبه فرد دوم "ابزار کار اشغالگر" در این رابطه به شما کمک میکند).

۲- مبارزه دموکراتیک مبارزه برای احقاق حقوق حقه مردم است که توسط حاکمان غارت و پایمال میگردد و موارد زیادی شامل آن میشود. در این رابطه به آثار مختلف میتوان مراجعه کرد و درهمین پورتال نیز آثار گرانبهای وجود دارد که میتوانید آنها را بخوانید. مبارزه ضد امپریالیستی مبارزه ایست که به ضد مداخلات اقتصادی، سیاسی، نظامی و... امپریالیستها به کشورهای دیگر، صورت میگیرد. در کشورما به ویژه مبارزه به

ضد مداخلات مستقیم همه جانبه و تجاوز مسلحانه امپریالیست ها را مبارزه ضد امپریالیستی میگویند. این مبارزه ضد امپریالیستی از اعتراضات، اعتصابات، تظاهرات و... تا تدارک و آمادگی جنگهای آزادیبخش ضد امپریالیستی را در بر میگیرد. درکشورهای اشغال شده مبارزه دموکراتیک نیز با مبارزه ضد امپریالیستی پیوند تنگاتنگی دارد. شما اگر در داخل تشریف دارید و عمرتان از سی سال گذشته باشد نمونه های عملی مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی را در مقاومت قهرمانانه خلق ما علیه سوسیال امپریالیسم شوروی، از پوهنتون و مکاتب تا سطح شهر ها و روستا های کشور ما دیده و یا شنیده اید.

۳- تضاد اساسی شامل تضاد بین طبقات و نیروهای اساسی هر جامعه است و متناسب با شیوه تولید و رشد ساختار اقتصادی- اجتماعی هر جامعه مشخص میگردد.

و یا به تعبیر کلاسیکرها می توان نوشت:

"تضاد اساسی پروسه تکامل یک شینی یا پدیده و ماهیت پروسه که به وسیله این تضاد اساسی معین می شود، تا زمانی که پروسه پایان نیافته، ناپدید نمی گردد؛ مع الوصف در هر مرحله از این پروسه طولانی تکامل وضع معمولاً متفاوت است ..."

مثلاً: در جامعه نیمه فئودالی - نیمه مستعمره تضادهای اساسی عبارتند از: تضاد بین فئودال و دهقان، تضاد بین بورژوازی کمپرادور و کارگران، تضاد بین خلق و حاکمیت نیمه فئودالی- نیمه مستعمره (فئو دالیسم و امپریالیسم) و ...

در جامعه مستعمراتی ضمن موجودیت تضادهای فوق تضاد اساسی دیگری که تضاد بین خلق و امپریالیسم است، نیز به وجود میآید که از جمله مجموع تضادهای اساسی فوق یکی از آنها (در شرایط مستعمره بودن)، تضاد بین خلق و امپریالیسم به تضاد عمده بدل میشود. در این رابطه ضمن آثار کلاسیک در همین پورتال میتوانید به آثار جالبی مثل "تضاد به زبان ساده" و در قسمتی از کتاب "افغانستان الگوی دموکراسی امریکائی.... ص ۲۱۹- ۲۲۰" مراجعه کنید.

۴ - باور نمیکنم کسی در داخل زندگی نماید و حضور بیش از صد هزار سرباز و تانک و توپ و طیاره اجانب را ببیند و هر روز خبر مرگ هموطنان خود را به دست بیگانگان بشنود، و موجودیت مشاوران، جواسیس و نفوذ استعمارگران را در همه عرصه های زندگی، در شهر و روستا، در قریه های کشور ما شاهد باشد و باز هم چنین سؤالی برایش حل نباشد.

هم اکنون کشور ما مستعمره و از نظر ساختار اقتصادی نیمه مستعمره- نیمه فئودالی است. این بحث نیز در نشرات پورتال با منطق رسا توضیح و ثابت شده است، می توانید به آنها مراجعه نمایید.

۵ - سؤال پنجم تانرا نفهمیدم با کلمات qeodati و نیمه qeodati آشنائی ندارم و تاحال هم در هیچ جایی به آن برخورد نکردم. لطف کنید، اگر اشتباه تایپ نیست، معنای آنرا برایم بنویسید تا مخلصانه بیاموزم.

۶ - به پاسخ این سؤال از دوجهت وارد میشویم، یکی از نظر عملی و سیاسی - اقتصادی و دوم از نظر حقوقی. از نظر عملی و سیاسی - اقتصادی، نویسنده ارجمند آقای دکتر میر عبدالرحیم عزیز بحثی را در رابطه با اشغال راه انداختند و نوشته ها و نظرات علمی و مستندی هم پیرامون موضوع ارائه شد. آقای دوکتور عزیز در همان زمان چلنج دادند که هرکسی که ادعا میکند که کشور ما اشغال شده نیست و مورد تجاوز قرار نگرفته بفراشد و داخل این بحث شود. ولی کسی حاضر نشد و این بحث پایان یافته تلقی گردید. در غرب هم دیگر کسی جرأت نمیکند بگویند حضور این ۴۳ کشور در افغانستان تجاوز و اشغال نیست. اگر شما با این همه مدرک هنوز سؤال دارید؟ پیشنهاد

میکم این بحث ها را در همین پورتال بخوانید. تازه در این روزها که خود سرمداران متجاوزان، مانند وزیر دفاع انگلیس و رئیس جمهور آلمان و قبلاً رئیس جمهور امریکا و... این مطلب را به صراحت گفته اند که به خاطر منافع و امنیت خود شان به افغانستان لشکر کشی کرده اند و مطبوعات داخل و خارج این اعترافات را به نشر سپرده اند، دیگر جای تردیدی باقی نگذاشته اند.

در مورد فیصله ملل متحد و بنیاد حقوقی آن فیصله، محترم داکتر صاحب روستار تره کی مقاله جالب حقوقی منتشر کردند و اثبات کردند که از نظر حقوقی هم این تجاوز و اشغال است. آن مقاله هم در همین پورتال هست.

۷ - در مورد احزاب راجستر شده در وزارت عدلیه همه میدانند که اکثر این احزاب هیچگونه شرایط لازم حزب بودن را ندارند و فقط برای نمایش دموکراسی و به فرمایش امریکا به میدان کشیده شدند، NGO های مختلف هم به تأمین مالی شان پرداختند. وقتی امریکا از مرحله به اصطلاح ساختاری پروژه دموکراسی ناکامش در افغانستان عبور کرد، دیگر توجهش به این احزاب کم شد و عده زیاد آنها کفیدند و منحل شدند. برخی هم که هنوز باقی مانده اند هیچ اثری در سیاست های مهم و مسایل زندگی اجتماعی و هیچ پیوندی با مردم ندارند. من شخصاً به تأسیس چنین احزابی در شرایط حاکم بر کشور ما مخالف هستم و آنها را، اگر وسیله دست استعمار نباشند، اقلاً غیر موثر میدانم.

۸ - کارآئی سه سلاح خلق و یا هرگونه سلاحی و به کاربرد آن به تحلیل مشخص از شرایطی که در آن قرار داریم و توان کار بُردی ما مربوط است. نحوه به کاربرد هم نسخه واحدی در همه جهان ندارد. هر کشوری و جامعه ای متناسب با شرایط ویژه اش از آن استفاده میکند. آنچه مهم است اینست که در مبارزه همیشه به ابزار مبارزاتی نیاز است و در هرگونه شرایطی کارآئی دارد. فقط ما باید آنرا مانند هر پدیده دیگری تکامل بدهیم و نحوه کاربرد آنرا مدبرانه بیاموزیم. جهانی شدن سرمایه، پیوند جهانی مبارزین را ضروری ساخته است.

دراخیر برای روشن شدن بیشتر موضوعات مطرح شده پیشنهاد میکنم به مآخذ ذیل در همین پورتال مراجعه کنید:

- ۱- مقالات داکتر صاحب میر عبدالرحیم عزیز
 - ۲- مقالات حقوقی داکتر صاحب روستار تره کی
 - ۳- کتاب "افغانستان الگوی دموکراسی امریکائی..." از و. آنیز
 - ۴- جزوه "تضاد به زبان ساده"
 - ۵- مقالات داکتر صاحب عبدالحنان روستائی (پایپ لاین نفت...)
 - ۶- برخی مقالات محترم پیکار پامیر
 - ۷- برخی مقالات آقای موسوی و....
 - ۸- مصاحبه ها پیرامون انتخابات یا "مضحکه انتخابات"
- امید وارم پاسخ ها مطلوب و کارآ باشند، هرگاه باز هم به من امری داشتید در خدمتم، برخوردهای صمیمانه تان به من انرژی بیشتر میبخشد و آرزو دارم بیشتر با شما آشنا شوم.

هفدهم جوزای ۱۳۸۹

زنده باشید.

آهنگر